

سلام،

شماره جدید سه کاف (۲۸) تقدیم میشود. امید که مورد پسندتان واقع گردد. خوشحال میشویم چنانچه شما نیز به نوبه خود در رساندن سه کاف به دوستان، نزدیکان و آشنایان خود، ما را یاری دهید.

۱- امضا برای آزادی در ایران

همزمان با سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، جمعی از روشنفکران، متخصصان، فعالان سیاسی و حقوق بشری ایران، سندی بنام "منشور ۸۱" صادر کرده و آرمانهای خود را برای استقرار نظامی دمکراتیک در ایران تبیین کرده‌اند. منشور ۸۱ در ۱۲ بند تنظیم شده و اصولی مانند نهادینه کردن حقوق و آزادیهای مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر در قانون اساسی ایران، جدایی دین از حکومت، دمکراسی و نفی مطلق خشونت در آن تصریح شده است.

در بین امضا کنندگان، شخصیت‌های ادبی، سیاسی، فعالان حقوق بشر و تعداد زیادی از متخصصان ایرانی دیده میشوند. همچنین تعداد زیادی از نیروهای جوان داخل کشور هم این منشور را امضا کرده‌اند. مواد منشور از این قرارند:

منشور ۸۱

- ۱- ما حقوق و آزادیهای مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تمامی می‌پذیریم و خواهان نهادینه شدن آنها در قانون اساسی ایران هستیم.
- ۲- ما معتقد به اصل انکار ناپذیر حکومت مردم بر مردم از طریق آرای عمومی هستیم، و تنها نهادهایی را که منبعث از آرای آزاد مردم باشد به رسمیت می‌شناسیم.
- ۳- ما خواهان جدایی کامل نهاد دین از نهاد حکومت، و نفی سلطه روحانیت یا هر قشر و فرد دیگری که خارج از راهکارهای مردم‌سالارانه متحقق شود هستیم.
- ۴- ما آزادی عقیده و مذهب را به رسمیت می‌شناسیم، و هرگونه دخالت حکومت در مذاهب را نفی می‌کنیم.
- ۵- ما به برابری کامل ایرانیان، صرف نظر از جنسیت و نژاد و قومیت و زبان و عقیده و مذهب و خصوصیات شخصی افراد، اعتقاد داریم و هرگونه تبعیض و نابرابری مبتنی بر این تفاوت‌ها را نفی می‌کنیم. ما بخصوص بر برابری حقوق کامل زنان و مردان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تاکید می‌کنیم.
- ۶- ما معتقد به ساختاری حکومتی با حداقل کنترل مرکزی و حداکثر دمکراسی محلی و متناسب با تنوع قومی، زبانی و فرهنگی مردم ایران با

- حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور هستیم.
- ۷- ما معتقد به حق برابر مردم ایران در بهره‌گیری از ثروت ملی و منابع طبیعی کشور هستیم. ما هم چنین برآنیم که حکومت باید یک حداقل سطح زندگی را برای هر فرد ایرانی تضمین کند.
- ۸- ما دخالت حکومت در حوزه زندگی شخصی و روابط خصوصی افراد را نفی می‌کنیم و تنها وظیفه حکومت در روابط بین افراد جلوگیری از تجاوز شهروندان به حقوق یکدیگر است.
- ۹- ما مخالف جواز قانونی اعمال هرگونه خشونت از سوی حکومت هستیم، و کاربرد شکنجه و مجازات‌های خشن و نانسانی، از جمله اعدام، را در هر شرایطی نفی می‌کنیم.
- ۱۰- ما از جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران و به خصوص زنان، جوانان، دانشجویان، نویسندگان و هنرمندان، دانشگاهیان، فرهنگیان، متخصصان، کارمندان و کارگران که برای نفی استبداد مذهبی مبارزه می‌کنند، حمایت می‌کنیم. در عین حال، ما معتقد به تحول مسالمت‌آمیز جامعه بسوی مردم سالاری و تحقق آرمانهای یاد شده در این منشور هستیم.
- ۱۱- ما خواهان گسترش روابط بین‌المللی ایران با همه کشورهای جهان براساس صلح و احترام متقابل، منشور سازمان ملل، و اسقلال و مصالح ملی ایران هستیم، و از پیمانهای جهانی ناظر بر صلح، عدم تجاوز، حقوق بشر، توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و حفظ محیط زیست، حمایت می‌کنیم.
- ۱۲- ما به حق مردم برای تعقیب و مجازات کسانی که در گذشته به حقوق مردم تجاوز کرده‌اند، احترام قایلیم. در عین حال معتقدیم که باید با رعایت اصل ۹ این منشور، از طریق یک کمیسیون حقیقت‌یاب آشتی ملی و یا در دادگاه‌های صالح به صورت عادلانه به این اتهامات رسیدگی شود.

=====

علاقمندان میتوانند با مراجعه به یکی از دو آدرس زیر هم با تهیه‌کنندگان منشور تماس بگیرند و اگر سئوالی دارند، مطرح کنند و هم با امضا آن، تمایل خود به آزادی و دموکراسی را اعلام کنند.

آدرس:

www.manshoor.org
www.charter2003.org

=====

همچنین کانون فرهنگی و پژوهشی بامداد کارت پستالی روی اینترنت درست کرده که میتوان آن را روی شبکه امضا کرد و با فشار روی دکمه (ارسال)،

کارت به کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا ارسال میشود. توی این کارت نوشته شده:

کارنامه ۲۴ سال حکومت جمهوری اسلامی ایران :
خفقان، دستگیری، زندان، شلاق، شکنجه، ترور، سنگسار، فحشا، اعتیاد،
قصاص، کشتار، خودکشی، اعدام، آوارگی، فقر و فلاکت.

ادرس برای علاقمندان:

www.peykeiran.com

۲- مطب دکتر امیر

-

حضور همسر در هنگام زایمان زن

زنان افرادی هستند دارای روح و جسمی لطیف و شکننده. این افراد برای جلوگیری از شکنندگی روحی، دائماً نیازمند توجه و پشتگرمی هستند. این مسئله در موقع زایمان، بسیار شدیدتر میشود، زیرا زنان در هنگام زایمان بسیار حساس می‌شوند.

همانطور که همه می‌دانند، زایمان طبیعی دارای درد فراوان ولی شیرینی می‌باشد و حضور همسر در هنگام زایمان باعث میشود روحیه زن بالاتر رفته و تحمل درد آسان شود. و زن احساس میکند که مرد وی، همواره پشت اوست و به او قوت قلب می‌دهد.

این باعث کاهش استرس زایمانی میشود. در نتیجه در سلامت نوزاد تاثیر بسیار مثبتی می‌گذارد. و حتی باعث میشود که مرد با مشاهده درد و رنج زن در هنگام زایمان، به او نزدیکتر شده و او را بهتر و بیشتر درک کند.

طبق بررسی که انجام شده، طلاق (پس از بچه‌دار شدن) در خانواده‌هایی که مرد هنگام زایمان حضور داشته، در مقایسه با خانواده‌هایی که مرد در موقع زایمان حضور نداشته، بسیار کمتر است.

همسرانی که در هنگام زایمان زن بالای سر او بوده‌اند، از جنسیت فرزند ناراضی نبوده‌اند (مثلاً نگفته‌اند ای کاش پسر بود یا ای کاش دختر بود).

حتی ثابت شده پس از اینکه همسر در هنگام زایمان حضور داشته، لذت جنسی هر دو نفر در هنگام آمیزش بسیار بیشتر شده است.

اما، متأسفانه در ایران به علت مشکلات فرهنگی، این مسئله اصلاً جا نیفتاده و خانواده‌ها اصلاً به این فکر نکرده و برنامه ریزی نمی‌کنند که مرد در هنگام زایمان در کنار همسر خود حضور داشته باشد.

در حالی که این مسئله خیلی مهمی است، چون همانطور که میدانید، ایران

جز معدود کشورهایی است که این حق را از زوجها میگیرند و این موضوع خود مشکلات فراوانی ایجاد می کند.

در ایران متأسفانه چند سالی است که موضوع طرح انطباق پزشکی ایجاد شده، این مسئله توهین بزرگی به مردم شریف ایران و جامعه دلسوز پزشکی میباشد. امروزه در ایران هیچ پزشک مردی حق گرفتن تخصص در رشته زنان را ندارد، حتی به جرات میگویم که دانشجویان مرد پزشکی، وقتی فارغ التحصیل میشوند، حتی یک زایمان طبیعی هم ندیده اند. این مسئله تنها نشان دهنده عقب ماندگی فرهنگی است که ما را به آن مبتلا کرده اند. وقتی بر سر پزشکان ما این بلا را نازل کرده اند، دیگر چه انتظاری میتوان داشت که دلشان بحال زوجها بسوزد.

وقتی ورود آقایان به بلوک زایمان " اکیداً ممنوع " است، دیگر چگونه میتوان انتظار داشت که تفاهم بین زوجها وجود داشته باشد.

ما چگونه میتوانیم انتظار جامعه ای سالم را داشته باشیم وقتی که این مسائل بنیادی رعایت نمی شوند؟

وقتی به پزشکان و سایر همکاران ما اینگونه بی احترامی میشود، چگونه میتوان انتظار داشت که به سلامت روحی مادر توجه شود؟

متأسفانه، این طرز فکر کم کم وارد فرهنگ مردم ما شده و حتی زنان از صحبت درباره مسائل جنسی و مشکلات جنسی مانند بیماریها با پزشکان مرد، واهمه دارند، و اینکار را ننگ تلقی میکنند، حتی بد میدانند که همسرشان در هنگام زایمان حضور داشته باشد.

امید است با همدلی مردم، این کشور کهن با فرهنگ هزاران ساله، به کشوری آباد، آزاد و با فرهنگی غنی تبدیل شود.

شاد و سرافراز باشید.

دکتر امیر

۳- یک برجستگی گوشتی و یک شکاف صورتی

تقریباً او آخر شهریور بود، برای تعطیلات، با خانواده آمده بودیم

شمال. در همسایگی ویلای ما یه زن و مرد بودن و دختر زیبایی هم داشتن.

دختره رو نگو که دلم واسش قیلی ویلی می رفت. خوشگل و تقریباً قد بلند.

از همون روزای اول آرزو کردم که باهاش دوست بشم.

تا اینکه یه روز که واسه خرید رفته بودم فروشگاه. اتفاقاً دختره داشت از

خرید برمیگشت. فرصت خوبی بود. خرید کردن خودم را فراموش

کردم و رفتم طرفش و بعد از سلام و احوالپرسی، ازش خواستم که

بهش کمک کنم و مقداری از خریدش رو واسش تا خونه حمل کنم. قبول کرد. در بین راه که با هم حرف می زدیم، بهم گفت که اسمش مهشید است و دانشجوی سال اول هم هست. بعد از اینکه خریدش رو تا دم ویلاشون، رسوندم، دل به دریا زدم و گفتم که آگه میخواد بیشتر با هم حرف بزنیم، میتونه به من زنگ بزنه و شماره تلفن ام رو بهش دادم. شماره را گرفت و گفت باشد.. دو سه روزی گذشت و زنگ نزد. داشتم دیگه ناامید می شدم که تلفن ما زنگ خورد. خودش بود. کمی که حرف زدیم گفت که پدر و مادرش عصر میرن خونه خاله اش و تا آخر شب اونجا هستن، اما ازم نخواست که بهش سر بزنم. بهمین دلیل آخر صحبتها که رسیدیم گفتم تنهایی تو خونه خسته نمی شی؟ گفتش، چرا ولی چه کنم. گفتم میخوای بهت سر بزنم. قبول کرد.

ساعت پنج که شد، یه بهانه جور کردم و از خونه زدم بیرون. رفتم در خونه مهشید. کمی هم اظطراب داشتم. خلاصه در زدم و آمد و در را باز کرد. یه بلوز-دامن تقریباً تنگ پوشیده بود که اونو بیشتر تو دل برو میکرد. با هم رفتیم تو اتاقش. تقریباً یک ساعت با هم حرف زدیم تا حرفا کشید به سکس. گفتش که تا حالا فقط یه سکس جزیی با دوست پسر سابقش داشته. حالا دیگه با هم راحتتر شده بودیم. تو همین هین و بین، کمی به هم نزدیکتر شدیم و دیگه فاصله ای بین ما نبود. من هم کمروئی نکردم و صورتم رو بردم جلو و یه لب ازش گرفتم. اول خودشو کمی عقب کشید ولی یه لبخند ملیحی تحویل داد. بعد مثل اینکه تحریک شده بود، آمد و کنارم نشست و یهو دیدم که لبای ما دوتا تو هم رفته بودن. چه لبهای گرم و شیرینی داشت. بعد اونو خوابوندم رو تخت و دکمه لباسش رو باز کردم. یه کرسست مشکی پوشیده بود. کرسستش رو یواش یواش باز کردم؛ آخ که چه سینه هایی داشت، آدم نمی دونه اول سراغ کدوم یکی بره.

سینه هاشو یکی یکی تو دهان می گذاشتم و هی می مکیدم. صدای آه و اووه مهشید بلند شده بود. صداشو که می شنیدم، بیشتر نشئه میشدم. از بس که سینه هاشو مکیده بودم، سر پستوناش سرخ و سفت شده بودن. بعد رفتم پائین تر و دامنش رو در آوردم و از روی شرتش شروع به مالیدن کس نازش کردم، هی یواشکی از زیر شرت، انگشتمو به کس اش رسوندم. دیدم که خیس شده. شرتش رو که در آوردم، داشتم غش میکردم.

یک کس ناز و خوشگل، یه برجستگی گوشتی کوچولو با یک شکاف کوچولوی صورتی رنگ. از بس شق کرده بودم، کیرم داشت درد میکرد.

صورت‌م را به کس‌اش نزدیک کردم، حواسم بود که باید خیلی حساس باشد، پس اول زبونم رو بهش نزدیک کردم و شروع کردم به لیسیدن چه لذتی داشت، بعد یواش زبونمو لای شکاف کردم، دیدم که بیشتر خیس شد. کمی که کس‌اش رو خوردم، شروع کردم به گردوندن زبونم توی کس‌اش و انگشتمو با احتیاط وارد شکافش کردم. نگو که چه جیغی به راه انداخت، چند لحظه نگذشته بود که انگار به ارگاسم رسید. بلند شد و منو به پشت هل داد، شلوارمو باز کرد و کیر شق شده‌ام را با عجله از شرتم بیرون کشید. اونو محکم تو دستش گرفت، نگاهی مشتری‌وار بهش انداخت و مثل کسی که میترسد چیزی را ازش بچاپند، سریع برد تو دهنش. آخ که چه حالی میداد. آنقدر خوب و با سلیقه مک میزد که آدم حال و هوای پرواز رو ابرها رو حس میکنه. آهم که داشت می‌اومد، کیرمو کشید بیرون و سینه‌هاشو آورد جلو؛ یه دستش رفت سراغ کس خودش و یه دستش هم کیر منو جلق میزد. چندان طول نکشید که هر دوتایی به ناله و جیغ کشیدن افتادیم. آهم اونقدر زیاد بود که تمام سینه مهشید رو پوشونده بود. بعدش همدیگه رو تمیز کردیم و تقریباً ساعت ۸-۷ بود که باهاش خداحافظی کردم و رفتم خونه. هنوز که هنوزه ما با هم تماس داریم و گاهی همدیگه رو می‌بینیم.

۴- تاملات فرهنگی

بیانید سنتهای غلط را دور بریزیم

در کشور ما متأسفانه هنوز هستند پدر و مادرهایی که فرزندان خود را قربانی سنتهای غلط میکنند. خود من یکی از این قربانیان هستم که در سن ۲۳ سالگی با علاقه شدیدی که به پسر یکی از همسایه‌هامون داشتم، اما به زور مرا به عقد پسر عمویم درآوردم و فقط به این خاطر که پدر بزرگم وصیت کرده بود که من باید با پسر عمویم ازدواج کنم. و تنها دلیل پدر و مادرم هم این بود که عقد دختر و پسر عمو تو آسمون بسته شده و یا اینکه ناف مرا به اسم پسر عمویم بریده‌اند. پسر عمویی که در سن ۲۵ سالگی معتاد به گرد سفیدی بود که زندگی مرا سیاه کرد. آری من قربانی خرافات شدم. درست بعد از یکسال که از ازدواج ما میگذشت، مجبور شدم حتی مهریه‌ام را ببخشم تا از زندگی نکبت‌باری که داشتم، رها شوم. چون او در حالت نشئگی یکجور آزارم میداد و در

حالت خماری یکجور دگیر.. بله من در سن ۲۴ سالگی بعنوان یک بیوه‌زن در دنیا تنها شدم و به خاطر این مسئله حتی دیگر نمی‌خواهم اسمی از در و مادرم بشنوم. حال مانده‌ام با یک سراب به نام زندگی. آیا این خواسته زیادی است که هر دختر و پسری خودش بتواند شریک زندگی خودش را انتخاب کند؟

تنها خواهش من از تمامی کسانی که این را می‌خوانند این است که اگر فرزندی دارید و یا قرار است یک روز صاحب فرزندی شوید، به فرزندان خود حق انتخاب بدهید تا روزی مثل من تنها نباشند و به هر کسی که به او محبتی می‌کند، دل می‌بندد و تمام وجودش را در اختیار او می‌گذارد که البته اینکار خطرانی هم دارد. به امید روزی که هر کسی بتواند سرنوشت خودش را رقم بزند.

صاحبان هتلها جواب دهند

مدتی قبل با پسری از یک جای دیگر آشنا شدم. خوب آنجا ما به هیچ وجه امکان سکس نداشتیم، اما حالا این دوست پسرم دارد به تهران می‌آید. خوب ما همدیگر رو دوست داریم و می‌خواهیم شادی و لذت با هم قسمت کنیم. این کار چه ربطی به دیگران داره؟ از یک طرف نمی‌تونم اونو به خونه بیارم چون پدر مادر و داداش‌الم شنگه در میارن، گفتیم، که اون تو هتل جا بگیره و من برم پیش اون، اما این هم نمی‌شه، چون هتلها خیلی سختگیری میکنن. آخه ما چکار کنیم؟ چرا ما را اینقدر عاصی میکنن؟ این هم شد زندگی؟

حالت گمراهی و دو راهی

من علی هستم، ۱۷ ساله، به نظر من ما جوانان باید برای نسل بعد از خود یعنی فرزندانمان این زمینه را ایجاد کنیم که سکس از حالت "گناه" در بیاید. من وقتی با دوستانم در اینبار صحبت میکنم، یک حالت خشک و حفظ شده توی بحث وجود داره. مثلاً خیلی از دوستان من که خواهر دارند، ما در کنار هم دو-سه ساعت بحث میکنیم و نتیجه‌گیری میکنیم. بعد دفعه دیگه که حال خواهر یا مادر آنها را میپرسیم، "رگ غیرت" آنها گل میکند و به مقابله بر می‌خیزند. البته من نمی‌گویم که این تقصیر آنهاست چون هرچی باشه اونها ۱۶-۱۷ سال با یک طرز فکر غلط و قدیمی بار اومدن و هر نگاه "چپ" به خواهرشان را با مشت که همان "دفاع از ناموس"!!!! است پاسخ میدهند. ما باید سعی کنیم که مسئله سکس را در فرزندان خود درست جا بیندازیم،

نه اینکه ۱۶-۱۵ سال به بدی از دوست دختر یا دوست پسر یاد کنیم و بعد در اینجور منابع مثل سایت شما به اصل ماجرا پی ببرند. چون در اینصورت به یک حالت گمراهی و دو راهی میرسند- مثل خود من.

جرقه‌ای برای آزادی

من یکی از خوانندگان سه کاف هستم که میخواهم نظرم را در مورد یکی از سئوالهای اکثر دوستان راجع به اینکه تا کی باید دست روی دست بگذاریم و زورگوئیهای رژیم فعلی را تحمل کنیم، ارائه دهم:

به نظر من اینکه مردم توانستند در زمان حکومت محمد رضا شاه طی راهپیمائی‌ها و انقلابشان به پیروزی برسند این بود که در آن روزها، فردی مانند خمینی مردم را با هم متحد میکرد و با روحانیون شهرهای دیگر نیز در ارتباط بود و به آنها نیز سفارش میکرد تا مردم را متحد کنند و مثلاً در یک روز تعیین شده، شورش کنند و این باعث پیروزی مردم شد، ولی امروز ما فردی مثل خمینی را نداریم که بتواند مردم را با هم متحد کند. برای مثال اگر یک روزی را ما مردم انتخاب کنیم که در آن روز علیه این رژیم راهپیمائی کنیم، هر کدام از ما میگوئیم نکند که من به این راهپیمائی بروم و دیگران نیایند و یا تعدادمان کم باشد.

تا آنجا که من خبر دارم و پرس و جو کرده‌ام، تقریباً تمامی مردم ایران از این وضعیت موجود گله و شکایت میکنند و فقط به جرقه‌ای نیاز است تا مردم به حکومتی که میخواهند، دست یابند و به آزادی برسند و حالا میخواهم که نظر سه کاف را در مورد این عقیده‌ام بدانم و از شما ممنون میشوم که مقاله من را به همراه نظرتان به چاپ برسانید.

جواب سه کاف: ما قبلاً هم گفته‌ایم که سه کاف به مرجع تقلید اعتقاد ندارد چه برسد به اینکه خودش بخواهد "مرجع تقلید" بشود. چون اعتقاد به مرجع تقلید یعنی دست کشیدن از استقلال فردی و این شایسته یک انسان مدرن و امروزی نیست.

با اینهمه تا آنجا که یادمان می‌آید، قبلاً در باره "رهبری" چیزهایی گفته‌ایم ولی تکرار میکنیم: تنها انسانهایی که استقلال فردی را نمی‌شناسند، بدنبال رهبر میگردند. یک انسان آزاد و امروزی، قبل از اینکه بدنبال فرد باشد، یکسری خواسته دارد و از حزب، دسته یا گروهی که خواسته‌های او را مطرح میکند، حمایت مشروط میکند یعنی چشم و گوش بسته بدنبال حزب خودش راه نمی‌افتد، بلکه سعی میکند که نظرات و خواسته‌های

خودش را در برنامه آن حزب منعکس کند، اما این فرد آنچنان به استقلال فردی خودش وفادار است که به محض آنکه این حزب یا گروه، حرف یا سخنی مغایر با آنها بزند، فوری از آن حزب فاصله میگیرد. تنها در آن صورت است که خطر شستشوی مغزی شدن فرد از بین می‌رود و گرنه ممکن است که حزب یا گروه یا "رهبر" خودش به یک بت و مرجع تقلید تبدیل شود و این خطرناکترین چیزهاست. اما حفظ استقلال فردی خیلی مزیت‌ها را دارد، از جمله اینکه رهبران و احزاب مجبور میشوند برنامه خود را با خواسته‌های مردم وفق دهند چون میدانند که در غیر اینصورت مردم از آنها می‌گذرند و به دیگری رای میدهند.

دنبال "رهبر" گشتن یک صفت جهان‌سومی است. مردم هند دنبال گاندی می‌افتند، مردم مصر دنبال جمال عبدالناصر، مردم ایران دنبال خمینی و حالا یا رهبر خوش فکر از کار در می‌آید و آزادی می‌آورد یا دیکتاتور مثل خمینی. اما یک مسئله یادمان نرود: رهبری گاندی برای مردم هند استقلال را تضمین کرد و حتی آزادی انتخابات را هم بدنبال داشت، اما مدرنیسم را به همراه نداشت. از این که بگذریم، به اعتقاد ما قبل از اینکه ما بدنبال عوض شدن این یا آن رژیم برویم باید از خواسته‌های خود یک شناخت حداقل نسبی داشته باشیم تا دوباره شستشوی مغزی نشویم. برای تضمین آزادی باید قبل از هر چیز خود مردم در ذهن خود آزاد باشند، استقلال فردی خود را بشناسند و به استقلال و فردیت دیگران احترام بگذرند باید سنت‌ها و عیوب آنها را بدانند و کنارشان بگذارند. با اینهمه امروز هر رژیم و دسته‌ای که میخواهد سر کار بیاید باید حداقل چند مسئله را حتماً رعایت کند: ۱- مذهب و ایدئولوژی را با سیاست قاطی نکند

۲- اصولی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده را مو به مو اجرا کند

۳- در کارهای و برنامه‌ها و تبلیغات خود، مسائل فرهنگی ما ایرانیان

که سهم عمده‌ای در عقب ماندگی مردم و کشور داشته‌اند را بازگو کند هر نیرویی که از گفتن حقایق با این بهانه که حالا وقتش نیست، یا مردم ما آماده نیستند یا بخواهد پنهانکاری کند، حتماً یک چیزی پشت گوشش خوابیده و سزاوار اعتماد نیست. چون با حفظ سنتهای غلط در ذهن مردم دیکتاتوری بازتولید میشود. مسئله دیگر اینکه ما ایرانیان، در طول تاریخ خود اینهمه حکومت عوض کرده‌ایم، در یک صد سال گذشته چندین و چند بار شورش کرده و رهبران حکومتی را عوض کرده‌ایم ولی دمکراسی

در کشور ما نهادینه نشده است، چرا؟ چون ما مشکل فرهنگی داریم، فرهنگی که در بطن خودش دیکتاتورپروری میکند. پس اصلاح فرهنگی و مدرن و امروزی شدن خود مردم شرط اولیه دموکراسی واقعی در کشور است. اما این را هم اضافه کنیم که امروز هر نیرویی که سرکار بیاید (منهای کسانی که باز میخواهند یک نوع دیگری از جمهوری اسلامی بیاورند)، وضع ما بهتر از این خواهد بود که حالا داریم. ما ایرانیان بیش از حد این رژیم را تحمل کرده‌ایم و وقتش رسیده که رژیم فعلی را توی سطل زباله بیندازیم. برای اینکار، منتظر یک "رهبر" نشستن خطرناک است، تک تک ماها باید برای سرنوشت خود و کشور خود احساس مسئولیت کنیم و برای آزادی و سربلندی آن، تلاش کنیم.

حرف حساب

از اینکه سایتی رو پیدا کردم که می‌تونم باهاش درد دل کنم و یا راحت صحبت کنم، خیلی خوشحالم. درسته که من بر فرض مثال می‌تونم با دوست پسرم راحت باشم ولی هیچوقت دوست ندارم بهش بگم که چی می‌خوام. نمی‌دونم چرا؟ من اولین باری که سکس داشتم حدود چهار سال پیش بود که اون موقع هنوز دانشگاه نرفته بودم و تازه دیپلم گرفته بودم. سال اولی بود که با دوستم آشنا شده بودم ولی من نمی‌خواستم سکس داشته باشم. همین جوری پیش آمد. ولی هیچوقت اولین بار رو فراموش می‌کنم چون خیلی هیجانی بود. البته الان هم بعضی وقتها سکس دارم ولی بخاطر این که مشغله کاری دارم و همینطور به خاطر مطالعات متفرقه‌ای که دارم، وقت کافی برای سکس ندارم، با این حال هر از چند گاهی که دوست پسرم رو می‌بینم کمی سکس (در حد کم) داریم. قبلاً من با این مسئله خیلی مخالف بودم و نظرم این بود که تا ازدواجی در کار نباشه، نباید سکسی وجود داشته باشه، ولی حدود سه سال است که دیگه این نظر رو ندارم و برعکس این مسئله فکر می‌کنم و واقعاً خوبه که شما این سایت رو اختصاص دادین به این مسئله که واقعاً جامعه و جوانای ما به اون نیاز دارن. من ۲۳ ساله هستم فوق دیپلم دارم و بچه هم نیستم که بعضی از این بیجنیه‌ها و خرافاتی‌ها فکر کنن که بر فرض مثال بچه است و یا بیسواد که نمی‌دونه چطوری باید به این مسائل نگاه کنه. یه چیزی

هست که میخوام به این بی جنبه‌ها بگم. اونم اینه که چطور اونا نمی‌تونن عقاید ما رو بپذیرن و قبول ندارن ولی میخوان که ما عقاید مزخرف اونا رو بپذیریم؟ من خودم نماز می‌خوانم و خدا رو هم قبول دارم و در کنارش چیزهایی رو که خدا داده مثل شهوت رو هم قبول دارم. کاش این خرافاتی‌ها کمی منطقی فکر میکردن و سعی در تحمیل عقایدشون به دیگران نداشتن، همونطور که خودشون دوست دارن اونطوری زندگی کنن که دوست دارن، درک کنن که بعضی‌ها هم دوست دارن که دوست دارن یه شکل دیگه زندگی کنن. جالب اینجاست که اسم این تحمیل رو راهنمایی می‌ذارن. کاش این آدمای خودخواه یاد بگیرن که منطق دگیران رو هم گوش بدن، همانطوری که ما هم حرفای اونا را میشنویم. ولی چیز مهم اینه که هرکسی باید بتونه حرف خودش رو بزنه تا همه بشنون و بعد مردم حق انتخاب داشته باشن و اونوقت دیگه هر کس هرچی انتخاب کرد و هرطور که خواست زندگی کنه، باید بهش احترام گذاشت. به امید اون روزی که عقاید کهنه دور ریخته بشه و دخترایی مثل من به خاطر این کهنه پرستی مجبور نباشن که برای ازدواج با عشقشون سالها منتظر موافقت بزرگترها بمونن و هر وقت که بخوان با هر کی که دوست دارن، بتونن ازدواج کنن.

بابا، ما مذهبی‌ها هم آدم هستیم

من یکی از خوانندگان و بینندگان سه کاف هستم. البته این رو هم بگم که من با اینکه مذهبی هستم ولی خشکه مذهبی نیستم. میدونم این مسائل یعنی گزینه جنسی بسیار مهم هستش و باید بهش پرداخت. من یه سؤال از شما دارم، چرا فکر میکنن که آدمای مذهبی مانند من این احساس رو ندارن، یعنی مایل به عمل جنسی نیستن؟ من از این وضع خیلی ناراحتم، چون مذهبی هستم (و ظاهر من هم به حزب‌اللهی‌ها میخوره)، هیچکس به من توجه نمی‌کنه و به من پا نمی‌ده. به نظر شما من چه گناهی کرده‌ام که مذهبی شده‌ام؟ آرزوی من این بود که فردی حالا هر کی میخواد باشه، با من سکس بکنه، ولی متأسفانه کسی به من این اجازه رو نمی‌ده و من مجبورم، تکرار میکنم، مجبورم خودارضائی کنم. لطفاً به من بگید که چکار کنم،

من ۲۱ سالم است و تا بحال با احدی هم سکس نداشته‌ام. لطفاً به مردمی که سایت شما را می‌خوانن هم بگین که بابا، این مذهبی‌ها هم آدم هستن. **جواب سه کاف:** ما در شماره‌های قبل نظر خودمان را درباره مذهب و مذهبی بودن گفته‌ایم و تکرار نمی‌کنیم. فقط همینجا بگوئیم که ما هیچوقت نگفته و نخواهیم گفت که مذهبی‌ها را آدم حساب نمی‌کنیم، چون ما این اعتقاد را داریم که عقیده و مذهب و بی‌مذهبی باید آزاد باشد و هر کسی بتواند آنطور که خودش می‌خواهد زندگی کند. تازه خود ما هم نگفته‌ایم که مذهبی هستیم یا نیستیم، چون مذهب را یک رابطه خصوصی فرد با خدایی که به آن اعتقاد دارد میدانیم و لازم نیست با دیگران قسمت کند (اگر که نخواهند). مشکلی که شما دارید، به این دلیل است که روحانیون توی قدرت یک نقش و تصویر بسیار زشت، سرکوبگر، ضد زن، ضد آزادی، ضد شادی، زد سکس و کلاً ضد زندگی از اسلام درست کرده و با کمک تعدادی متعصبان مذهبی شستشوی مغزی داده شده، این اعتقادات را به زور به مردم و جامعه تحمیل کرده‌اند و همانطور که میدانید اینها هم به شکل خاصی لباس میپوشند، رفتار میکنند و حتی به شکل خاصی هم حرف میزنند، پس مردمی که از زورگوئیهای آخوندها و عوامل آنها عاصی هستند، از هر کس و هر چیزی که بوی و نشان آنها را داشته باشد، فاصله میگیرند. ساده‌تر بگوئیم شما حق دارید که با یک نفر سکس داشته باشید، شما هم همان احساس عادی و طبیعی میلیونها جوان ایرانی را دارید، اما شما دارید چوب تبهکاریهای آخوندهای حاکم را میخورید.

کاری کنید که این کثافتها بار و بندیل شان را جمع کنند

من یکبار قبل از این هم به شما ای-میل دادم. می‌خوام یه مطلبی رو بگم. به نظر من اگه شما به همین نحو پیش برید، به بن بست شدیدی میخورید. میدونید چرا؟ شما می‌خواهین یه جنبش اجتماعی ایجاد کنین.....مگه نه؟

ولی تو این اجتماع نمی‌تونین. شما باید اول سعی کنیم مردم رو از این آخوندهای بی‌شرف بطور کلی ناامید کنید تا مردم کاری بکنند که این کثافتها بار و بندیلشان را جمع کنن و برن، بعد میشه برای ارتقا سطح فرهنگ جامعه تلاش کرد. ببخشید قصد فضولی نداشتم.

۵-شب سه کافی

(قسمت اول-مقدمه)

(اسامی مستعار هستند)

من منوچهر هستم، پنجاه و چهار سال سن دارم، متاهل هستم و بچه‌هایم همه یا زن گرفته‌اند یا بقول معروف به خانۀ بخت!! رفته‌اند. یا سرباز و یا دانشجو. به همین دلیل مدتی است من و زخم زهره با هم تنها هستیم. یک سال قبل با اصرار دوست رندی، صاحب کامپیوتر شدم و بعدش هم باز به اصرار ایشان، اشتراک اینترنت گرفتم.

چند ماه پیش، همین دوست رند، برایم پیغام داده بود که: " رندان زمانه را ببین که اگر حافظ زنده می‌شد، شعری برایشان می‌سرود و مولوی رقص عاشیقها را برایشان اجرا میکرد." و بعد آدرس سه کاف را داده بود.

سری به میکده عشاق زدم و شراب نخورده مست شدم. اولش براستی که نمی‌توانستم آنچه‌را که چشمانم میبینند، باور کنم، اما خوب، کنجکاوی و لذتی که سه کاف بجان آدم می‌ریزد، باعث شد که نوشته‌ها را نخوانم، بلکه آنها را مثل یک هواکش با عجله به اندرونی‌م بلعیدم. همه چیز برایم تازه بود و حالت بهار را در من زنده میکرد. بخصوص که ظاهراً جوانان این مجله را زودتر کشف کرده بودند و رد پای آنها در نوشته‌ها و سئوالات پیدا بود. آخر مگر نه اینکه سالها زندگی زناشوئی را در ناآگاهی به اینهمه علم و دانش مربوط به سکس سپری کرده بودم؟ چند روزی گذشت تا از حالت شوکه بودن بدر آییم، بعدش دیگر عادت کردم، هر شب که عیال به رختخواب میرفت، می‌رفتم پای کامپیوتر و با سه کاف همدم می‌شدم. سالها بود که من و زهره شاید دو سه‌ماهی یکبار سکس داشتیم، آنهم چه سکسی؟ لامپ را خاموش میکردیم و بعد با احتیاط و کمی خجالت، به زهره دست میزدیم، و بعد که فهمیدم بیدار است (یا نیمه بیدار)، پاهایش را روی کولم می‌انداختم و کیر نیمه خوابیده را (که کم کم داشت راه خودش را گم میکرد) به نزدیکترین سوراخ فرو میکردم و بعدش هم یک آهی و آبی و ضربان قلبی که انگار داشت از جایش کنده می‌شد. زهره بیدار است؟ لذت برده؟ راضی بوده؟ اینها اصلاً توی ذهنم محلی را

اشغال نمی کردند. حالا توی تنهایی سه کاف را میخوانم، هنر کس لیبسی، لذت کیر مکیدن، بوسه و نوازش و..... و بعد داستانه‌ها و بخصوص بعضی از داستانهایی که زنان و دختران حشری نوشته‌اند..... که حس حسودی آدم به دوست پسرشان را حسایی تحریک میکنن.

آدم، سنگ هم که باشد، تغییر میکند. ناخودآگاه همان پشت کامپیوتر کیرم راست می‌شد، چاره‌ای نداشتم جز اینکه قبل از رفتن به اتاق خواب، برای خودم یک دست گرمی می‌گرفتم و یک جلق حسایی می‌زدم. و بعدش حسرت از اینکه چه چیزها که از دست داده‌ام.

چند هفته‌ای بر این منوال گذشت. اطلاعاتم درباره جنس زن، نیازهایش و احساساتش بیشتر شده بود. خودم را هم بهتر شناخته بودم.

دل به دریا زدم و تصمیم گرفتم هرطور شده، زهره را در شادی خودم شریک کنم. اما نمی‌دانستم چگونه. اما روز تولد زهره نزدیک بود، پس برای خودم برنامه‌ای چیدم.

روز تولد زهره، از خانه زدم بیرون، رفتم و یک دست کمرست و شرت زیبا و سکسی برایش خریدم، سر راه هم یک دسته گل گرفتم و به خانه امدم. کادوها را دادم دستش، بعد کشیدمش بطرف خودم، در آغوشش گرفته و یک بوسه حسایی از لبش گرفتم و گرم بخودم فشردمش.

(خودم را البته آماده کرده بودم).

زهره اولش کمی مقاومت میکرد، بیچاره شوکه شده بود. تا بحال به این شکل گرم و پرخواهش نبوسیده بودمش.

ازش خواستم که برای شب غذایی درست نکند و برای روز تولدش بگذارد که شام را بیرون بخوریم.

برای انجام کاری باید بیرون میرفتم. گفتم که ساعت ۵ برمیگردم، خودش را آماده کند که بعدش بیرون برویم. و درحال بیرون رفتن، گفتم: خدا کنه کادوتو دوست داشته باشی که برا شب بیوشی "گفت مگه چی هست؟

گفتم باز کن ببین و خودم زدم بیرون.

تمام مدتی که بیرون بودم، یک بخش حواسم به زهره بود و برنامه شب که مدتها برایش برنامه چیده بودم. میخواستم بهترین سکس زندگی‌ام را با زنم داشته باشم و همین فکر احساس خوبی را در من دامن میزد

و آلتهم را تمام وقت نیمه شق نگه میداشت.
غروبی که برگشتم، زهره زیباتر از همیشه به نظر میرسید، معلوم بود
که یک حمام حسابی کرده، بهترین لباسها را پوشیده، آرایش درست
حسابی کرده اما با یک حالتی که گویا میخواست اینها را همه از من پنهان
کند.

رفتم سراغش، باز بوسیدمش و گفتم امروز چقدر زیبا شده‌ای. تنسم زیبایی
کرد و گفت امروز چه خبرت شده؟ یه طوری شده‌ای؟
گفتم: اولاً که روز تولد زنم است آنهم زن زیبایی مثل تو، بعدش دلم میخواود
همدیگه رو از نو کشف کنیم.

بیچاره زهره، گیج شده بود، نمی‌دانست چه بگوید. حق هم داشت.
قبل از بیرون رفتن، خودم هم یک دوش درست حسابی گرفتم و با کمک
زهره، بهترین لباسم را پوشیدم.

در رستورانی همان نزدیکیهای خانه شام خوردیم و دو سه ساعت بعد
برگشتیم خانه.

آن شب، نه میخواستم روزنامه یا کتابی بخوانم و نه به سه کاف سر بزنم،
آن شب میخواستم سه کافی عمل کنم.

به زهره گفتم که چون روز تولدت است، دلم میخواود که زود بریم تو
رختخواب و کنار هم دراز بکشیم و وقت قبل از خواب را با هم صرف کنیم.
به اتاق خواب رفتم، مسواک زدم و بعدش هم کمی خمیر دندان اضافی
روی زبانم گذاشتم که مزه بوسه را بیشتر میکند.
روی تخت دراز کشیدم و دلم را برای یک شب سه کافی بقول جوونا صابون
زدم.

چند دقیقه بعد، زهره آمد، لباسش را درآورد و با کمرست و شرتی که همانروز
برایش خریده بودم، پشت میز توالت نشست و دوباره کمی به خودش رسید.
اینجا را فعلاً داشته باشید تا قسمت دوم در شماره بعدی

۶- شبی که غصه‌ها از دلم بدر شدند

حدود یکسال از جدایی من و شوهرم می‌گذشت. اون موقع من تنها زندگی
می‌کردم و فقط با آرزو که دوست دوران بچگی ام است، رفت و آمد داشتم.

یک روز که رفته بودم خونه آرزو، سعید برادر شوهرش برای گرفتن ماشین شوهر آرزو هم به آنجا آمد. من قبلاً تعریف سعید را از آرزو شنیده بودم. از همان برخورد اول، از سعید خوشم آمد. هرجوری سعی کردم که حداقل شماره تلفن اونو از آرزو بگیرم، روم نشد. سر ظهر به بهانه گرفتن شماره تلفن یکی از دوستای مشترک به سراغ دفترچه تلفن آرزو رفتم و همانجا تلفن همراه سعید را هم پیدا کردم. خیلی ذوق زده شدم. بعد از ظهر که به خانه برگشتم، سریع رفتم سراغ تلفن و شماره سعید را گرفتم، بعد از چند بار موفق شدم و بعد از احوالپرسی با گرفتن قول از سعید که در مورد تماس من به هیچکس چیزی نگه، خودمو معرفی کردم. اون روز خیلی مؤدبانه با هم حرف زدیم و فقط گفتم که ازش خوشم آمده و شماره تلفن ام را بهش دادم.

بعد از آن سعید تقریباً روزی دوبار زنگ میزد. سه ماهی فقط ارتباط تلفنی داشتیم تا اینکه بیشتر با هم آشنا شدیم و بالاخره یک روز دعوتش کردم که برای شام به خانه ام بیاید و برای پنجشنبه ساعت هفت عصر قرار گذاشتیم. روز قرار، از همان اول صبح حالت عجیبی داشتم، دلم شور میزد و ساعت به کنده پیش میرفت. بعد از نهار دوشی گرفتم، خودمو حسابی تمیز کردم، یک دست لباس مجلسی تنم کردم و منتظر سعید شدم. با شنیدن صدای زنگ در، دلم هری ریخت. از پشت افاف صدای سعید رو شنیدم، دعوتش کردم که بیاید بالا.

روی مبل نشسته بود و من برای آوردن چای به آشپزخانه رفتم. البته متوجه نگاه پرتمنای او شده بودم، بخصوص که از زیر چادر نازکم، بدنم کاملاً معلوم بود. به اتاق که برگشتم، چای را جلو سعید روی میز گذاشتم و خودم کنارش نشستم و خودمو بهش چسبوندم. بعد از چند دقیقه صحبت، یواش دستمو گذاشتم رو دستش. اونم با یک لبخند جوابمو داد. نفهمیدم چی شد که یک مرتبه لبهامون به هم گره خوردن و دست سعید رو روی پستونام حس کردم. سعید خیلی ماهرانه گوش و گردنم را لیس میزد، بطوری که خیلی زود خیسی شرتمو حس کردم. دستمو رو کیرش گذاشتم و شروع کردم به مالیدن. کیرش حسابی باد کرده بود؛ زیپشو کشیدم پائین و

دستمو به کیرش رسوندم. گرماش دستمو می‌سوزوند.
سعید هم دستشو از زیر دامن به شرتم رسونده بود و از او شرت داشت
کس ام رو یواش و با مهارت نوازش میکرد. خیلی حال میداد.
بعد از مدتی هر دو لخت شدیم. سعید از گردنم شروع کرد به لیسیدن
و همینطور پائین میرفت. با حس کردن زبونش روی کسم، دیگه نتونستم
تحمل کنم و ناله‌ام بلند شده بود. وقتی حسابی کسم رو لیسید، کیر گرمش
رو با مهارت به لبهای کس ام می‌مالوند که خواستتم رو بیشتر میکرد.
بعد آروم ب با حوصله، کیرشو کرد تو دروازه‌ام و شروع کرد به عقب-جلو
رفتن، ابتدا یواش و کم کم رتیمهایش را بیشتر و بیشتر کرد. من هم کمکش
میکردم و حرکات خودم را با او تنظیم میکردم یعنی همانطور که او داشت
جلو می‌آمد و کیرش را میزد تو من هم خودمو به سمت او هل میدادم و
این باعث می‌شد که کیرش با قدرت به ته کس ام بخورد، چه حالی میداد،
بخصوص که کلفتی کیر سعید هم منو حسابی سر حال آورده بود جوروی
که از ته دل قربون صدقه‌اش می‌رفتم، بخصوص که سعید حین کردن،
پستونامو هم با دستای مردونه‌اش می‌چلونند.
بعد از مدتی، ازم خواست که دمر بخوابم و من هم که تا آنروز سکس از
راه کون را تجربه نکرده بودم، با تردید قبول کردم. کیرش را که به کونم
کرد، آنچنان دردی گرفتم که تمام حال گردنم رو ازم گرفت و ستاره
از جلو چشم پریدن، اما خیلی زود عادت کردم، طوری که دیگه از درد
خبری نداشتم و به کیف کردن افتاده بودم.
اون شب حسابی حال کردم. از راه کون و کس و دهان آنچنان گائیده شدم
که همه غصه‌هایم از دلم بدر شدند، بخصوص که کسی که منو می‌گائید،
خوش هیكل و خوش کیر هم بود. دستامو رو مبل گذاشته و باسنم رو عقب
داده بودم. سعید غرق لذت بود و این منو بیشتر حشری میکرد.
آن شب دوبار ارگاسم شدم ولی موقع آمدن سعید، ازش خواستم که تو نریزه.
او هم تمام آبشو ریخت رو پشتم. طوری که گویا دوش اسپرم گرفته بودم.
بعدش سعید روم خوابید، با همون وضع و نزدیک نیم ساعت همینطور
رو مبل رو هم افتاده بودیم. بعدش با هم دوش گرفتیم و بعد هم شام

خوردیم.

بعد از اون شب، هر چند وقت یکبار سعید سری به من می‌زند و حسابی منو از خجالت در می‌آورد. الهی که قربونش برم.

۷- صحبت درباره سکس با فرزندان نوجوان

خیلی از پدر و مادرها بر این باورند که مسائل و مشکلات خانوادگی ربطی به فرزندان جوان و نوجوان آنها ندارند. اما از نظر احساسی و با توجه به شرایط روحی-روانی خاصی که نوجوان در آن بسر می‌برد، هیچ چیز بدتر از این نیست که حس کند والدین او را بحساب نمی‌آورند، یا سعی میکنند مسائل را از او پنهان کنند. در کنار اینها، والدین اغلب کوهی از اخلاقیات (که خود هم صحت و سقم و درست و غلط بودن آنها را نمی‌دانند)، به فرزندان خود منتقل میکنند این کار را بکنید، آن کار را نکنید، این چیز زشت است، از این چیزها نباید حرف زد، این گناه دارد، ناموس است و.....

اما بیشتر از این هم توضیح نمی‌دهند، ظاهراً با این بهانه که " حالا برای شما زود است که این چیزها را بدانید."

چه بخواهیم و چه نخواهیم، تقریباً از سن ۱۲ سالگی که فرزند دختر یا پسر ما پا به سن بلوغ میگذارد، این نوجوان با کوهی از مسائل تازه و ناشناخته مواجه میشود، هورمونها در بدن او به کار می‌افتند و کردار، رفتار، حالات روحی-روانی و احساسات او را دچار تلاطم میکنند، در کنار اینها، تغییرات فیزیکی در بدن او ظاهر میشود که دلیل آنها را نمی‌داند، نوک پستانها سفت میشوند و درد میگیرند، در جاهایی از بدن مو رشد میکند، صدا تغییر می‌یابد، احساس مبهمی از گرایش جنسی در خود احساس میکند و..... نوجوان در این مرحله سنی بسیار حساس و زود رنج است.

احساس تنهایی، اینکه کسی او را بحساب نمی‌آورد یا کسی او را دوست ندارد، انبوهی از سئولات که نمی‌داند از کی و چطور آنها را مطرح کند، خودش هم نمی‌داند چرا یک لحظه بی‌غم و شاد است و یک لحظه بعد ممکن است

حس کند که غمگین‌ترین فرد روی زمین است. احساس اینکه من کی هستم و از کجا آمده‌ام، "شورش" بر علیه نظم خانواده و پدر و مادر، و حتی "رقیب شدن"، ضد زدن، تلاش برای گذشتن از "مرزها" بدنبال قهرمان خود گشتن (از بین فوتبالیست‌ها، یا خوانندگان یا....)، مقابله و درگیری با خواهر-برادر و..... همه اینها بخشی از حالات و احساسات هر جوان و نوجوانی است.

حالا احياناً مشکلات بين خود والدین و دعوای بين آنان و اینکه خود والدین هم نمی‌دانند چرا فرزند دل‌بندشان یک‌هو اینطوری شده، و.... را به این همه اضافه کنید. اینجاست که خطر جدی میشود، اینجاست که اگر والدین دقت نکنند و درست در همان جایی با نوجوان برخورد نکنند که او در آن قرار دارد، ممکن است اثرات سوِ دراز مدتی بر شخصیت و زندگی این نوجوان داشته باشد. چرا که همهٔ مسائلی که به آنها اشاره شد، برای یک جوان و یا نوجوان (۱۸-۱۲ ساله) خیلی زیاد و سنگین است. به این علت که او هم از درون در تلاطم است و هم زندگی بزرگان را نمی‌فهمد.

در حوصلهٔ این مقاله نیست که به تمام جنبه‌های آموزشی و تربیتی بپردازد، فقط آرزو میکنیم که مسئولان پرورشی، نویسندگان و متخصصان ما، با انتشار کتابها، مقالات و جزوات آموزشی برای والدین و هم خود نوجوانان، کمک کنند که کشور ما نسل‌های سالمتری در آینده داشته باشد.

با اینهمه، در زیر تلاش میکنیم به مسئله آموزش سکس به فرزندان در خانواده گریزی بزنیم و امیدواریم که در آینده نزدیک بتوانیم بیشتر به این موضوع بپردازیم.

پدر و مادرها همیشه به سکس نه بعنوان جزیی از زندگی بلکه بعنوان یک چیز خاص و جداگانه- در حاشیه زندگی- نگاه میکنند. دید فرهنگی جامعه هم باری از گناه، زشتی، قباح، آبرو، غیرت، رگ مردانگی، و.... را قبای مسائل جنسی کرده و سکس را به یک کار زیر زیرکی و دزدانه، مسئله زیر شکم و بالاخره در کل یک تابوی به تمام عیار تبدیل کرده است. این را میتوان کم و بیش در کردار و رفتار و پندار همهٔ ما ایرانیان مشاهده

کرد.

این درحالی است که سکس و جنسیت بخودی بخود، نه مشکل است و نه چیز بد، بلکه مشکل همانا شیوه برخورد ما با سکس است، برخوردی که عواقب ناگواری هم برای ما و هم برای فرزندان ما دارد. اما اضطراب، راحت نبودن با مسائل، عادت نداشتن، شرم و حیا و... اینها بخشی از موانع بازدارنده در صحبت صریح و "دوستانه" والدین با فرزند نوجوان و کنجکاو میشود.

ناگفته نماند، هستند والدینی که دلشان میخواهد اطلاعاتی در باره سکس به فرزندان خود بدهند، اما نمی دانند از کجا شروع کنند، چه را بگویند و چه را نگویند. نه کتابی در دسترس دارند و نه پدر-مادر خودشان با آنها در اینباره حرف زده اند. و همینطور از صحت دانسته ها و "شنیده های" خود مطمئن نیستند.

صد البته، مسائل خصوصی والدین را باید خصوصی نگه داشت همانطور که نوجوان هم بخشی از رازهای خود را برای خود نگه خواهد داشت. اصل مسئله اما این است که لازم نیست والدین حتماً باید به تمام سئوالات نوجوان خود پاسخ دهند، بلکه اصل همانا در پیش گرفتن روشی است که نوجوان ما جرئت کند سؤال خود را مطرح کند.

هیچ اشکالی ندارد که پدر یا مادر در جواب سؤال فرزند خود بگوید:

"من جواب این سؤال را نمی دانم، حالا شاید تو فکر میکنی که من این چیزها را بدانم." یا "سؤال جالبی است ولی من جوابش را نمی دانم، بذار پیدا کنم و بهت بگم."

نه اینکه با عصبانیت جواب دهیم که: "چه پررو؟ خجالت نمی کشی این حرفا را میزنی؟" و یا "این حرفا رو کی بهت یاد داده؟ دیگه با اینها نگرد."

با چنین جواب منفی و رد کننده، نه تنها به اعتماد به نفس فرزند خود لطمه زده ایم، بلکه باعث شده ایم که او کنجکاو و بیها و سئوالات خود را دیگر با ما مطرح نخواهد نکند، و هم اینکه حلقه دوستان خود را پنهان خواهد نمود و هم بدتر از همه به رابطه روانی سالم نوجوان با سکس و جنسیت صدمه

شدیدی وارد کرده‌ایم.

این قابل درک است که وقتی والدین خود با سکس مشکل دارند، و همانطور که در بالا اشاره شد، سکس برای آنها، زشت، قبیح، از شکم به پائین، خطرناک و..... باشد، وقتی که می‌بینند فرزند دل‌بندشان به این مسائل کنجکاوی نشان می‌دهد، یکهو وحشت میکنند، بخصوص که والدین همیشه می‌خواهند به فرزندان خود (حال در هر سن و شرایطی که باشند) بعنوان یک " بچه " نگاه کنند که باید او را در مقابل خطرات محافظت کرد. در حالی که تربیت صحیح این است که ما با رشد طبیعی فرزند و کشفیات تازه او کنار بیاییم و در شکل‌گیری شخصیت مستقل او، اعتماد به نفس و احساس امنیت در خانه و در کنار والدین تلاش کنیم.

والدینی که با نیت پاک سؤال و کنجکاوی فرزند را با خشونت و نهیب و بار گناه اضافه جواب می‌دهند، به سلامتی روحی-روانی فرزند خود هیچ کمکی نمی‌کنند اینگونه والدین در واقع شرم، ناآگاهی، ترس و وحشت خود را یک لباس " رسمی " پوشانده‌اند و با یک نهیب دهان فرزند را بسته‌اند. بدون آنکه توانسته باشند کنجکاویها و سئوالات را از ذهن او پاک کنند.

چنین پدر و مادرهایی دو مسئله را ناآگاهانه با هم قاطی میکنند، یکی سکس و دانش در باره مسائل جنسی و دیگری فعالیت جنسی. درحالی که صرف سؤال کردن بمعنای عمل کردن نیست.

آنچه که فرزند توقع دارد (و حق اوست) این است که والدین این مسائل را با زبان ساده و قابل هضم برایش تشریح کنند، بدون آنکه بار اخلاقی و گناه و امثال اینها بر دوش او بگذارند.

رد درخواست نوجوان و نهیب زدن به او، حتی ممکن است او را زودتر از موعد به مسائل جنسی و فعالیت سکسی بکشاند، چون او سعی میکند در خارج از خانه، جواب سئوالات خود را پیدا کند. افزون بر این، او یاد می‌گیرد که سکس بد است، گناه دارد، جلق زدن برایش سردرد می‌آورد و.....

مساعادت به فرزند (در این شرایط تلاطم روحی-روانی ناشی از فعالیت هورمونها) و کمک به او در یافتن پاسخ سئوالات ذهنی خود، باعث میشود که او کلاً با جنسیت و سکس و بخصوص با گرایش جنسی خود احساس راحتی بیشتری کند. این به هیچوجه او را به فعالیت جنسی زودرس نخواهد کشاند. همانطور که عکس قضیه هم صدق میکند یعنی داشتن رابطه و فعالیت جنسی به معنای شناخت کامل از جنسیت و کنار آمدن فرد با جنسیت خود نمی باشد.

هیچ چیز بدتر از این نیست که اولین قدمهای نوجوان برای خودآگاهی جنسی اش با انداختن باری از گناه و ترس بر دوش او، جواب داده شود. این خطرناکترین و بدترین شیوه تربیتی است چرا که اعتماد به نفس در همه عرصه های زندگی، تمایل به پنهانکاری و پنهان اندیشی، ترسو و خجالتی بودن و.... را در او تقویت کرده ایم. عکس قضیه نیز صدق میکند.

همانطور که در بالا اشاره شد، مهم این نیست که شما جواب سئوال فرزند خود را ندانید، مهم این است که شما تمایل و علاقه خود به صحبت در اینباره را نشان دهید. یادمان باشد که در اغلب موارد، دلیل اصلی پنهان شده پشت سئوال یک نوجوان، یافتن پاسخ کامل نیست، بلکه علت اصلی سئوال کردن همانا نیاز به صحبت از احساسات خودش می باشد.

در صحبت با فرزند نوجوان خود سعی نکنید که کوهی از اطلاعات و دانسته های خود را (بدون آنکه او پرسیده باشد) به ایشان منتقل کنید. بگذارید خودش اول بپرسند و در رابطه با سئوال جواب دهید، نکته مهمی که نباید از یاد برد اینکه به هیچوجه احساسات و تفکرات آنها را محکوم نکنید، و باز مهمتر از همه درباره آنها قضاوت نکنید یا به آنها نخندید، چرا که دیگر سراغ شما نخواهند آمد.

اما چند نکته مهم که هر پدر و مادری امروز باید با زبانی ساده درباره آنها با فرزندان خود صحبت کند اینها هستند: پیشگیری از بیماریهای مقاربتی، بارداری ناخواسته، استفاده از کاندوم، حفظ حریم و انتخاب

دیگران و احترام به آن.

در پاسخ دادن به کنجکاویها و سئوالات فرزند خود، همیشه یک حالت طبیعی بخود بگیریم، نشان دهیم که علاقه داریم، گوش میدهیم و این چیزهایی که او می‌پرسد، عادی هستند.

شناخت درباره مسائل جنسی، سکس و جنسیت فردی و مختصات آن (به مقتضای سن) بخشی از خودشناسی هر انسان است و در شکل دهی و سامان بخشی به زندگی فردی در تمام عرصه‌ها مهم است و این ربطی به داشتن شریک جنسی و یا فعالیت جنسی ندارد.

انسانهای با چنین دیدی، نه به راحتی مورد سوء استفاده دیگران واقع میشوند و نه خود دیگری را مورد سوء استفاده قرار می‌دهند.

ممکن است والدینی اینطور فکر کنند که در مورد مسائل جنسی و کنجکاوی فرزندان، بهتر است که موضوع را مسکوت نگه داریم.

اما این مثل حالتی می‌ماند که آبی در دیگی می‌جوشد و ما سر دیگ را محکم گرفته باشیم، نتیجه این میشود که یا دیگ می‌سوزد و یا منفجر میشود. والدین باید با پرسشها و کنجکاوی فرزندان خود کنار بیایند و در شکل‌گیری خودآگاهی، کسب اعتماد به نفس، استقلال فردی، ترسو و شرمگین و گوشه‌گیر نبودن فرزندان دل‌بند خود مشارکت فعال داشته باشند.

اگر چنین نکنیم، خواه ناخواه، نوجوان و جوان ما، جواب سئوالات خود را در خارج از خانه خواهد گرفت.

این را والدین باید قبول کنند که نوجوان درباره سکس کنجکاو است، کلی سئوال دارد، میخواهد حرف بزند، میخواهد درباره جلق زدن، خواب دیدن، تغییرات فیزیکی و..... چیزی بداند، جوانان میخواهند از احساسات و عشق خود حرف بزنند، از قهر و آشتی‌ها، اینکه چگونه نامه عاشقانه بنویسند، اینکه بزرگترها در باره آنها چه احساسی دارند و چگونه فکر میکنند و صدها مورد دیگر.

والدین باید همه اینها را جدی بگیرند اگر که برآستی به فرزند خود

عشق می‌ورزند و میخواهند برای خوشبختی، بهروزی و سلامتی روحی - روانی آنان مایه بگذارند.

با حوصله به صحبت‌های آنان گوش دهید، یادتان باشد که به آنها دروغ نگوئید، نشان دهید که به سئوالات آنان اهمیت می‌دهید و..... اینهاست محک عشق و دوستی والدین نسبت به فرزند نه اینکه در چنین روزها و شرایطی آنها را تنها بگذاریم و با همه عواقب چنین کاری، بزرگتر که شدند، به خود اجازه دهیم باز فردیت و استقلال آنان را خدشه دار کنیم و بر خلاف میل و سلیقه خودشان، زن یا شوهر برایشان انتخاب کنیم. برای والدین علاقمند، در سه کاف آنقدر اطلاعات وجود دارد که علاوه بر استفاده شخصی همچنین بتوانند به کلی از سئوالات جوانان و نوجوانان خود، پاسخ دهند.

۸- معرفی سایتهای جدید

سایتهای مربوط به حوزه مسائل جنسی که از ما خواسته‌اند در این شماره معرفی کنیم:

۱- اما قبل از هر چیز یک سایتی را معرفی کنیم که در باره سکس نیست اما بسیار دیدنی است اگر که بدنبال چیز خاصی میگردید، همه چیز در یک جا، از خبر گرفته تا موسیقی، کامپیوتر، سکس، رادیو، و..... در آن می‌یابید. خیلی‌ها میتوانند گمشده خود را (از هر نوع) در این پایگاه پیداکنند:

<http://www.realiran.com>

۲- یک سایت جدید:

<http://www.babraz.8k.com>

۳- این هم سایتی که گله کرده چرا در شماره قبلی معرفی نکردیم:

<http://www.iran1400.cjb.net>

۴- این هم یک سایت عکس

<http://pejman32000.iran.li>

۵- باز هم یک سایت برای طرفداران عکس:

<http://iranphotosex.web1000.com>

۶- این هم یک سایت عاشق پیشه خوزستانی:

<http://www.ali3d.persianblog.com>

۷- این هم از اصفهان:

<http://www.geocities.com/esfahanxxx>

۸- این هم یکی دیگه برای تهرانی‌ها:

http://groups.yahoo.com/group/hameds_club

۹- این هم یک سایت دیگر برای زوجها:

http://group.yahoo.com/groups/xi_iran

۱۰- باز هم یک سایت برای جفت‌ها:

http://groups.yahoo.com/group/m_d_d_m/

۱۱- این هم سایت نازنین و همسرش:

<http://www.irankos.s5.com>

۱۲- این هم یک سایتی که جایش خالی بوده:

WWW.NEWIRAN.ORG

۱۳- این هم یک سایت دیگه:

<http://tootfarangi4kid.blogspot.com/>

۱۴- این هم یک سایت:

www.3exforpersian.blogspot.com

۱۵- این هم یکی دیگه:

<http://sexsexsexsexsexsex.persianblog.com>

۱۶- این هم یک سایتی که میتواند بهتر هم بشود:

<http://parhamjoon.persianblog.com>

۱۷- این هم یکی که سر ما داد زده چرا معرفی نمی کنیم: (توجه اینکه

ما در این سایت دستی نداریم.)

http://www.groups.yahoo.com/group/room_cekaf_chat

چند نکته :

ما هیچ مسئولیتی در باره سایتهایی که در سه کاف معرفی می کنیم، بعهدہ

نمی گیریم. این سایتهای گاهی بنا به عللی ممکن است باز نشوند یا مسئولین

آنها به نامه های علاقمندان جواب ندهند یا در سیستم ای میل رسانی دچار

مشکل شوند، یا کلا از بین بروند و.....

از دوستان خواهش میکنیم، هر مشکلی در اینبارہ دارند، با مسئولین خود پایگاههای

مورد نظر تماس بگیرند، ما هم مثل شما، از این سایتها استفاده می‌کنیم اما در کار آنها دستی نداریم. به دست اندرکاران پایگاهها هم پیشنهاد می‌کنیم که یک ای میل جداگانه برای خوانندگانی که ممکن است دچار مشکل شوند، در نظر بگیرند. از خود خوانندگان هم این درخواست را داریم که در حد توان با ارسال مقالات، داستان، مطالب، معرفی کردن و.... به ادامه کار این پایگاهها کمک کنند.

=====

اگر سایتهای دیگری هم باشند که تاکنون معرفی نکرده‌ایم، از مسئولین آنها خواهش میکنیم در صورت تمایل به معرفی پایگاه خود، با ما تماس بگیرند.

۹-ستون استریت واکر

-

درباره چی گپ بزنیم

خب پس حالا این شانس رو دارین که با کسی که پسندیدین، اولین قرار ملاقات رو گذاشتین و حالا کنار هم نشستین و می‌خواین اولین بعد از ظهرتون رو با هم بگذرونین. این یکی از حساس‌ترین لحظه‌هاست چون اگر بتوانید یک صحبت سرگرم کننده پیش بکشید، طرف حوصله‌اش سر نمی‌ره و باز هم با شما قرار میذاره و باهاتون بیرون می‌آد و در مقابل اگر توی تاکسی، کافی شاپ، خیابون و.... دائم بهش نگاه کنین و پرسید: "خب، چه خبر؟" و "دیگه چه خبر؟" و "چیکار می‌کنی؟" و بعد "دیگه چه خبر؟" و آخرش

باز هم بپرسین "دیگه چیکارا میکنی؟" طرف باید تحملش خیلی زیاد باشه که با کیف دستی اش تو سرتون نزنه! به همین خاطر استریت واکر تصمیم گرفته اینبار چند موضوع صحبت خوب که دخترها بهش علاقه دارن، رو براتون فراهم کنه. درس قبلی (شماره قبل) هم باید دائم توی ذهن تون باشه:

هیچ وقت در باره خودتون، قهرمانی هاتون، ورزشکار بودن تون، باهوش بودن تون و.... صحبت نکنید. این کارها رو برای جمع های بزرگ بگذارید، هرچند اونجا هم خوب نیست ولی بهر حال توی یک صحبت دونفره، از خود گفتن (و تعریف کردن) بدترین چیز ممکن است.

۹- درباره گذشته/ش حرف نزنید

اصولاً نباید در ملاقاتهای اول درباره دوستان پسرهای قبلی طرف مقابل حرف زد. اصلاً تا وقتی که خود طرف به این مسئله اشاره نکرده، باید در باره آن سکوت کرد. شما هم هیچ احتیاجی به دانستن صدماتی که دختره از دوست قبلی اش دیده یا عشقی که سعی میکنه توی خودش خفه اش کنه، ندارید. بازی کردن نقش یک پدر دلداری دهنده، یا سنگ صبور توی ملاقات اول اصلاً استراتژی خوبی نیست. اگر میخواهید دنبال یک استراتژی خوب باشید باید: "پاک کردن ماتیک اش از روی لب هاش باشه" و نه "پاک کردن اشک از روی گونه هاش"

۸- برادر و خواهر داره؟

یکی از موضوعات مطمئن برای صحبت کردن، برادر و خواهرها هستند (البته همینکه گفت خواهر داره، نپرسید که: "خوشگله؟")!!!!!!
(البته سعی کنید که صحبت به پدر و مادر کشیده نشه (مگر اینکه طرف علاقمند باشه)، چون برادر و خواهرها معمولاً تاثیر بهتری روی همدیگه

دارند. اگر طرف با هیجان شروع به تعریف کردن از کارها و روحیات خواهرش کرد، می‌توانید تا حد زیادی مطمئن باشید که به قول روانشناس‌ها

مشغول فرافکنی است: یعنی چیزهایی که خودش دوست دارد یا بدش می‌آید رو به به بقیه نسبت می‌ده (این راهنمای خوبی برای شماست) وقتی که طرف در باره خودش یا خانواده‌اش صحبت میکند، با نشان دادن علاقه به صحبت‌های او و توجه کردن به آنچه که می‌گوید، صداقت خودتون رو نشون بدین.

۷- جای خاصی مسافرت کرده؟

یکی از بهترین راههای جلب توجه دخترها موقع صحبت اینه که درباره جاهایی که قبلاً رفته‌اند یا بعداً می‌خواهند بروند، باهاشون صحبت کنید. اگر طرف خیلی دوست دارد جایی بره، می‌تونید بهش بگید که ممکنه یه روز با هم اونجا باشین. (از دروغ‌های بزرگ بپرهیزید!) این گفتگو از جنبه دیگه‌ای هم مفید است چون هر دو طرف از خاستگاه اجتماعی و پس زمینه فرهنگی یکدیگر تا حدی باخبر می‌شن.

۶- چطور غذایی رو دوست داره؟

این یکی از بحث‌های فوق‌العاده است. دخترها جلوی این سؤال همیشه باید یه سخنرانی مفصلی در باره اینکه چه جور چیزهایی می‌خورند و چه چیزهایی براشون مضره، ایراد بکنند. اگر هم دختری همه چیز بخوره، درباره اینکه "چطور رژیم غذایی خاصی نداره" حداقل ده دقیقه سخنرانی خواهد کرد. (به شرطی که شما تشویقش کنید و از بحث حمایت و علاقه خود به گوش دادن را نشان دهید.) در عین حال این موضوع معمولاً خودبخود به بحث‌های دیگه کشیده میشه. مثل کشورهایی که دوست

داره، ساعت‌های ناهار خوردن، سطح رفاه خانواده و....

۵- درس و مشق چگونه؟

سؤال کردن از یک دختر درباره اینکه چی خونده و درس اش چگونه بوده و آیا دوست داره درس اش رو ادامه بده و... یک شمشیر دولبه است. ممکنه طرف علاقمند باشه تا چند ساعت درباره اینکه شاگرد اول بوده و کلی تحقیقات مهم کرده و به زودی قراره امتحان دکترا بده، حرف بزنه و از طرف دیگه ممکنه درس اش بد باشه و تحصیلات خاصی هم نداشته باشه و در نتیجه سؤال شما را بعنوان یک فضولی تعبیر کنه که اونو در وضعیت ناخوشایندی قرار می‌ده. درس‌های قبلی که یادتون هست! هیچوقت یک دختر رو توی وضعیتی که در آن احساس ناراحتی و ناخوشایندی بکنه، قرار ندین.

۴- شغل اش چگونه؟ چکاره است؟

اگر از سن طرف مقابل آنقدر گذشته که سؤال کردن درباره تحصیلات اش احمقانه به نظر بیاد، پرسیدن از وضعیت شغلی یک جایگزین خوبی است، هر چند که کار در اکثر مواقع ذاتاً یک فعالیت تکراری است اما صحبت کردن درباره آن همیشه مورد علاقه است. اینه که پرسیدن از کار میتونه طرف رو علاقمند کنه که درباره خودش و علائق اش برای شما صحبت کنه و علاوه بر آن به شما کمک میکنه که بدونید با چه تیپ آدمی طرف هستید و دارید دوست می‌شوید. بهر حال دوست شدن با پیشخدمت هتل، با دوست شدن با یک دیده بان صلح سازمان ملل فرق داره.

۳- پرسیدن درباره دوستاش

اگر حوصله یک گوش دادن بیست دقیقه‌ای رو دارید از دوستانش

بپرسید. مثلاً بگوئید "گفتی دانشگاه فلان میری... راستی اونجا بچه‌هاش چطورن؟ باهاشون دوستی؟ دوره دارن؟" و منتظر باشین تا اون یک دور کامل دوستاش، علاقه‌هاشون، روابطشون، اینکه آخرین بار هرکدوم رو کجا دیده و اینکه با هم چه کارهایی کرده‌اند و... رو براتون تعریف کنه. درسته که طرف داره یک نفس برا شما حرف میزنه ولی این دلیل نمی‌شه که شما گوش ندین. چون اگر خوب گوش بدین و در لحظات حساس سؤال خوب بپرسین، کلی اطلاعات مفید درباره طرف و دوستاش کسب میکنین و توجه داشته باشین که اگر دوستی شما ادامه پیدا کنه، همین دوستایی که اون درباره‌شون برای شما تعریف کرده، یکی از بهترین منابع برای برنامه‌ریزی، تفریح، و شاید حلقه دوستی جدیدی برای خودتان باشنند.

۲- سرگرمی‌های خاص

از این اسکیت‌ها که چهار پنج‌ساله مد شده، بلده؟ نویسنده خاصی رو دوست داره؟ تمرین رقص میکنه؟ ورزش چی؟ دوچرخه‌سواری میکنه؟ فوتبال بازی میکنه؟ چه جور موسیقی رو دوست داره؟ و... فایده این سئوالات اینه که اولاً همیشه تا بینهایت درباره اونها حرف زد و از طرف دیگه به شما نشون میده که چقدر با هم اشتراک علاقمندی و فعالیت دارین. بهر حال اگر دختری دیدید که عاشق اسکی و موزیک غربی بود و شما پسری بودید که از اسکی و موزیک غربی متنفر هستید..... باید صادقانه تصمیم بگیرید که آیا به هم میخورید یا نه.

و در نهایت

۱- شجاع باشید و به آینده فکر کنید

خب..... پس شما بعد از یکی دو ساعت حرف زدن برق خوشحالی

رو توی چشم‌های اون می‌بینی و احساس میکنی که از شما خوشش اومده. اصلاً نگران تمام شدن موضوعات استریت واکر نباشین! کمی شجاعت داشته باشید و درباره اینکه در آینده دوست دارید با هم چیکار کنید، گپ بزنید. برسید که سینما رو ترجیح میدی یا تئاتر یا یک مرکز فرهنگی یا باغ وحش؟ راستی گفتم باغ وحش. توصیه همیشگی ام به پسرهای ایرانی یادم رفت: ادب رو رعایت کنید و مثل یک آدم با فرهنگ رفتار کنید. فحش دادن به دخترها و مسخره کردن اونها و یا متلک گفتن ممکنه که صورت اونها رو بطرف شما برگردونه ولی توی اون صورت لبخندی نخواهد بود.

جوری رفتار کنید که دوست دارید با خودتون رفتار بشه و قبل از پرسیدن هر سؤال فکر کنید که اگر همون سؤال از شما پرسیده می‌شد، چه جوابی می‌دادید. اگر خودتون در برابر "چه خبر" ها جواب خوبی ندارید، بهتره به جای پرسیدن این سؤال از یک دختر به سراغ روزنامه‌ها بروید تا از اخبار مطلع شوید.

۱۰- با سوزاک آشنا شویم

سوزاک یک بیماری مقاربتی است، یعنی از طریق مقاربت‌های جنسی به فرد سرایت می‌کند. عامل بیماری هم یک باکتری است و نه ویروس. سوزاک فقط از طریق انسان به انسان سرایت میکند. فضای گرم و مرطوب پوسته‌های مخاطی بهترین و مناسبترین محل برای رشد باکتری عامل سوزاک است. و در غیر اینصورت ادامه حیات باکتری بسیار مشکل میشود، حتی روی یک پوست مرطوب بدن هم امکان رشد بسیار نامحتمل است چون در عرض چند دقیقه

از بین می‌روند. به همین دلیل امکان سرایت باکتری سوزاک از طریق مثلاً حوله، دست‌دان و روبوسی ممکن نیست و یا امکانش خیلی خیلی کم می‌باشد.

اگر زنی دارای سوزاک باشد، این امکان وجود دارد که در هنگام زایمان، نوزاد او نیز به سوزاک مبتلا شود. (التهاب و آماس چشم نوزاد در روزهای اول یکی از این علائم می‌باشد. که البته اگر تشخیص داده شود- با قطره مخصوص چشم قابل معالجه است.)

اگر فردی دارای سوزاک باشد و با فرد غیر آلوده مقاربت جنسی انجام دهد، باکتری عامل سوزاک را به طرف خود منتقل می‌کند. باکتری سوزاک به قسمت‌های پائینی مجاری ادرار سرایت می‌کند اما خیلی بالاتر نمی‌رود. باکتری‌های سوزاک موادی را تولید می‌کنند که باعث التهاب و تورم پوسته مخاطی مجاری ادرار شده و ترشحات زیادی تولید می‌کنند. در مردان و پسران، باکتری‌ها حتی تا پروستات هم می‌روند و باعث التهاب آن و همین‌طور بیضه‌ها می‌شوند.

در دختران و زنان، باکتری سوزاک ممکن است تا رحم و از طریق آن به لوله‌های رحم نیز سرایت کنند. اگر مسئله تا این مرحله برسد، خطر نازائی، زن آلوده را تهدید می‌کند.

توجه داشته باشیم که حتی پوسته‌های مخاطی حلق و دهان و همین‌طور داخل مقعد هم ممکن است در معرض سرایت باکتری‌های سوزاک واقع شوند.

انتقال سوزاک از فردی به فرد دیگر خیلی راحت و ساده می‌باشد به این دلیل که برای آلوده شدن یک فرد سالم، تعداد بسیار کمی باکتری

لازم است.

اگر سوزاک درمان شود، به معنای این نیست که بدن شما دیگر مقاومت در برابر آن را یاد گرفته، بلکه ممکن است که فردی در اثر بی احتیاطی چندین و چند بار سوزاک بگیرد.

علائم بیماری:

- بعد از سرایت باکتری عامل سوزاک، حدود ۶-۲ روز طول میکشد تا علائم بیماری ظاهر شوند.

- احساس حالت ناخوشی و تب خفیف.

- التهاب و سوزش در مجاری ادرار و بعد سوزش هنگام ادرار.

مشکل شاشیدن، یعنی تکه تکه شدن جریان خروج ادرار و احساس همزمان درد و سوزش.

- خروج ترشحات و موادی اضافی از آلت تناسلی که در ابتلا شفاف و کم میباشد ولی بعداً زیاد و حتی زرد رنگ.

گفته میشود که حدود پنج درصد از مردان علائم خیلی کمی از ابتلا به سوزاک از خود نشان میدهند.

در زنان معمولاً علائم بیماری سوزاک ناچیز است اما در تعدادی از

زنان بهرحال عوارضی دیده میشود که شبیه به علائم سوزاک

در مردان است.

معالجه سوزاک کار بسیار آسانی است و بعد از آزمایش و مشخص شدن

ابتلا بیمار به سوزاک، پنیسیلین تجویز میشود. اما بشرطی که فرد آلوده

سریع به پزشک مراجعه کند، چون عدم مراجعه به دکتر میتواند عواقب

بسیار جدی و خطرناکی برای فرد داشته باشد.

۱۱-سئوال و جواب مسائل جنسی

ابتدا یک تذکر: اکثر سئوالاتی که دوستان مطرح میکنند، واضح نمی باشند و گاهی اطلاعات بیشتری مثل رنگ، خارش یا بدون خارش، زمان و حالت و... نیز لازم است تا جواب کاملتری به سئوالات داده شود. به همین دلیل، گاهی به ناچار به یکسری سئوالات جواب کلی داده میشود.

سئوال ۱ - آیا استفاده از قرصها و آمپولهای بدنسازی موجب عقیم شدن میشود؟ و آیا کلاً عوارضی دارند؟

جواب: بله، تمام این داروها عوارض دارند. آن دسته از داروهای هورمونی (که برای بدنسازی استفاده میشوند) مانند ناندرولون (Nandrolone) ایجاد عقیمی میکنند. عوارض دیگر این داروها سردرد، اکنه، پرموئی، اسهال، استفراغ، مسمومیت کبدی و... میباشد. البته همه به این عوارض دچار نمی شوند)، همچنین این داروها باعث عوارض بسیار شدیدی بر روی جسم و روان (در درازمدت) دارند. از این گذشته، نیروی جنسی شما را هم کم میکنند و گاهی باعث کوچک شدن بیضه ها میشوند.

سئوال ۲ - موقع جلق زدن نوک کیرم سوزش دارد و اذیتم میکنه. چرا؟

جواب: اگر شما با مواد شوینده (مثل صابون، شامپو و...) این کار را انجام میدهید، باعث آسیب به مجرای داخلی آلت تناسلی میشوید. این کار باعث سوزش مجرای ادرار (بخصوص موقع ادرار کردن) میشود، درست مثل وقتی که شامپو وارد چشم میشود. یا اینکه ممکن است از مواد لزوج کننده حساسیت زا استفاده

میکنید که باعث تحریک مخاط مجرا میشوند.

سؤال ۳- مردی هستم پنجاه ساله و خیلی هم از سکس خوشم میآید اما مشکل اینجاست که آلت تناسلی زنم این اواخر خیلی خشک شده و آن حالت اولیه را ندارد موقع سکس هم چندان لذت نمی برد. لطفاً بگوئید چکار کنیم؟

جواب: این حالت ممکن است بخاطر یائسگی همسر شما باشد. (البته مطمئن نیستیم چون شما سن همسر خود را نگفته اید)، شما میتوانید از مواد لغزنده مثل زل لوبریکانت استفاده کنید. همچنین داروهای هورمونی هست که خانم شما میتواند از دکتر و گاهی از داروخانه تهیه کند.

سؤال ۴- زنی هستم ۲۳ ساله و شش سال است که ازدواج کرده ام. من از دیدن صحنه های سکس دو مرد با هم خیلی لذت میبرم. آیا این از احساس جنسی من به شوهرم کم میکند؟

جواب: خیر، این هیچ تاثیری در میل جنسی شما ندارد. مطلب مربوط به فانتزی در چند شماره قبل سه کاف را بخوانید.

سؤال ۵- روی خایه هایم مقدار زیادی جوش دارم. چرا؟

جواب: روی بیضه مثل تمان بدن پوشیده از پوست است و پوست ممکن است جوش بزند. اما گاهی این حالت بخاطر حساسیت است. شما بهتر است لباس زیر خود را زود به زود عوض کنید و از شرت نخی (خالص) استفاده کنید.

سؤال ۶- وقتی من و دوست دخترم با هم سکس داریم، وسط کار یکهو دوستم قفل میکنه و هر چی زور بزنم نمی توانم کیرم را عقب-جلو ببرم. باید دو-سه دقیقه صبر کنم تا دوباره حالت عادی بخودش بگیرد. راه حل چیست؟

جواب: دوست دختر شما باید معاینه شود اما احتمالاً مشکلی نیست و فقط

یک اسپاسم (گرفتگی عضلات) به علت لذت جنسی است. سعی کنید ارتباط روانی نزدیکتری با هم برقرار کنید. پرس و جو از حالت و احساس همدیگر موقع سکس هم یادتان نرود.

سؤال ۷- پسری هستم که سر آلت تناسلی ام یکسری خالهای قهوه‌ای زده. چکار کنم؟

جواب: شما حتماً باید توسط یک پزشک اورولوژ (کلیه و مجاری ادرار) صحبت کنید. ممکن است به علت قارچ و یا... باشد.

سؤال ۸- آب کیرم بوی وایتکس می‌ده و دوست دخترم خیلی از آن بدش می‌آید و ایراد می‌گیرد. آیا این طبیعی است؟

جواب: این بو، بوی وایتکس کاملاً طبیعی است. نگران نباشید. کلاً نوع نگاه و برخورد بسیاری از ما ایرانیان به آب منی، سکس، لیسیدن و خوردن و... تا حدود زیادی ذهنی است. برای لذت بردن از سکس، باید سعی کنیم که بر موانع ذهنی فائق آئیم.

سؤال ۹- بعضی وقتها سر آلتم بشدت می‌سوزه و بعد از حدود بیست دقیقه خوب میشود. چکار کنم؟

جواب: این حالت ممکن است بخاطر عفونت ادراری باشد. بهتر است یک آزمایش ادرار بدهید و جواب سؤال ۲ را هم بخوانید. در ضمن نگفته‌اید که چه موقعی این سوزش ایجاد میشود، آیا ترشح غیر طبیعی هم دارید؟ آیا تماس جنسی مشکوک یا سوزش ادرار هم دارید؟ اگر این حالتها را دارید، هرچه زودتر به پزشک مراجعه کنید.

سؤال ۱۰- من روی کیرم مو دارم. این موها را چگونه میشود از بین برد؟ البته

بجز با تیغ.

جواب: راههایی مثل الکترولیز یا اشعه لیزر وجود دارد. بهتر است با یک متخصص پوست مشورت کنید.

سؤال ۱۱- حدود دو ماه است که روی کیرم زخمهایی میزنه که خوب نمی‌شه و گاهی اوقات درد میگیره. میخواستم اسم این بیماری رو بپرسم و اینکه به چه دکتری باید مراجعه کنم؟ آیا واگیر است؟

جواب: این عارضه صددرصد یک بیماری است. شما باید توسط یک پزشک معاینه شوید. چون تشخیص قطعی فقط با معاینه پزشک میسر است. بسیاری از بیماریها در روی آلت ایجاد زخم میکنند مثل تبخال تناسلی، شانکر، بیماری انگلی و.....

سؤال ۱۲- روی کیرم جوشهایی زده که مثل جوش صورت میماند و اگر با ناخن دو انگشت فشارشان دهم، چرک از آنها بیرون میزند و درد میگیرد. دلیل این را لطفاً برایم توضیح دهید و چکار باید بکنم؟

جواب: این عارضه بخاطر عفونت فولیکولهای مو یا بخاطر عفونتهای سطحی پوست است. اگر تعداد جوشها زیاد نیست، مشکلی ایجاد نمی‌کند. برای جلوگیری از این حالت شما باید مرتب آلت تناسلی خود را بشوئید. (اگر پوست چرب دارید با صابون مخصوص پوست چرب استحمام کنید). در صورتی که عارضه شما برطرف نشود، به یک پزشک پوست مراجعه کنید.

سؤال ۱۳- روی کیرم لکه‌هایی مثل قارچ دیده میشود که معمولاً سفید رنگ هستند. چکار کنم؟

جواب: این عارضه دقیقاً نشانگر خود قارچ است. بهتر است با یک متخصص مشورت

کنید تا نوع قارچ مشخص شود و داروی لازم به شما تجویز شود.

سؤال ۱۴- میخواستم بدانم که پزشک قانونی چگونه تشخیص میدهد که یک نفر سکس داشته یا نه؟ جواب آزمایش معمولاً چند روز طول می کشد و آیا استفاده از کاندوم در مثبت یا منفی بودن جواب تاثیر دارد؟

جواب: پزشک قانونی با یک معاینه ساده متوجه این موضوع میشود. جواب معاینه هم ظرف ۲-۱ دقیقه مشخص میشود و استفاده از کاندوم هم در نتیجه آزمایش تاثیر ندارد. لازم به ذکر است که اگر بدون کاندوم سکس داشته باشید، پزشک قانونی حتی میتواند فرد مقابل را هم شناسایی کند.

سؤال ۱۵- مردی هستم ۵۲ ساله، سکس طبیعی دارم، لذت می برم و به انزال هم میرسم و آب منی هم خارج میشود، اما من خروج منی را احساس نمی کنم و این باعث میشود که از نظر روحی ارضا نمی شوم. آیا میشود گفت که من ارگاسم ناقص دارم؟ علت مسئله و راه حل آن چیست؟

جواب: علت آن عدم کفایت غدد جنسی است. شما باید تحت نظر پزشک از داروهای تقویت کننده و مکمل (مثل ویاگرا) استفاده کنید. هیچگاه بدون نظر پزشک از اینگونه داروها استفاده نکنید، چون ممکن است شما مشکل قلبی داشته باشید (که خود نمی دانید یا هنوز عوارض آن معلوم نشده)

سؤال ۱۶- وقتی که من در حال سکس هستم، یعنی دارم عقب-جلو می کنم، یکهو متوجه میشوم که کیرم خوابیده. چرا اینجوری میشود و راه حل چیست؟

جواب: شما سن خود را ذکر نکرده اید، اما احتمالاً مشکلاتان در نعوظ (شق شدن)

میباشد. بهتر است با یک متخصص ارولوژی مشورت نمائید. مسئله دیگر این است که آیا شما در هنگام سکس، حواستان پرت نمی‌شود؟ آیا همکاری و هم‌عملی و هماهنگی حرکات شریک جنسی شما در هنگام سکس درست همان چیزی است که شما میخواهید؟

سؤال ۱۷- از خواب که بیدار میشوم، کیرم راست و شق است اما با دیدن خانم یا دختری زیبا، کیرم راست نمی‌شود. آیا من مشکل دارم؟

جواب: اینکه با آلت شق شده از خواب بیدار میشوید، طبیعی است، اما برای سؤال دوم، احتمالاً این ناشی از روحیه شماسه، نگران نباشید. اما اگر شما وقتی میخواهید آمیزش انجام دهید این مشکل را داشته باشید، نشانه بیماری است و نیازمند درمان.

سؤال ۱۸- چون من تابحال سکس نداشته‌ام، معنی کلماتی مثل واژن و چوچوله را نمی‌دانم. ممکنه برام توضیح بدین؟ و سؤال اینکه آیا زنها غیر از سوراخ کس و کون، سوراخ دیگری هم دارند؟

جواب: واژن (vagina) یا همان مهبل سوراخ آلت تناسلی زن میباشد که به آن کس (کوس) میگویند. واژن یا مهبل را در حالت رسمی بکار میبرند اما کس بیشتر سکسی است و در داستانها یا گفتارهای سکسی بکار میرود. چوچوله همان است که بعضی‌ها اسم خارجی کلیتوریس برای آن بکار میبرند و عضوی در بالای آلت تناسلی زن (از بیرون) میباشد. این عضو ۲-۳ سانتیمتر است و هنگام حشری بودن زن، درست همانطور که کیر مرد هم پر از خون شده و شق میشود، چوچوله هم شق میشود. سوراخ دیگر همان مجرای ادرار

است که بصورت یک شکاف V می‌باشد و در بالای سوراخ کس قرار دارد و توسط لبهای آن پوشیده شده است. (سوراخ ادرار خیلی کوچک است طوری که در نگاه اول اصلاً متوجه آن نمی‌توان شد.)

سؤال ۱۹- آیا کاندومها در بازار همه لاتکس هستند؟ اگر اینطور است چرا قیمتها اینقدر متفاوت است؟

جواب: امروزه تماماً لاتکس هستند اما قیمتها بخاطر نوع ساخت متفاوت میباشد، مثلاً میوه‌ای و.... در شماره‌های قبل سه کاف در اینباره بیشتر توضیح داده شده است.

سؤال ۲۰- در یکی از روزنامه‌های کشور گفته شده بود که اگر از کاندوم استفاده نشود، فقط یک درصد امکان گرفتن بیماری ایدز هست، آیا این گفته درست می‌باشد؟

جواب: این گفته غلط است. بسیار هم غلط است و از روی بی‌مسئولیتی گفته شده. اگر شما بدون کاندوم و رعایت احتیاط با یک نفر مبتلا به ایدز رابطه جنسی داشته باشید، بطور حتم مبتلا خواهید شد.

سؤال ۲۱- به نظر شما چرا در کشور ما استفاده از کاندوم پیشنهاد نمی‌شود؟ در صورتی

که در ایران ازدواج موقت آزاد است و احتمال شیوع بیماری وجود دارد.

جواب: اتفاقاً تمام همکاران من (پزشکان) کاندوم را توصیه میکنند، اما اگر منظور شما برخورد دولت با این مسئله باشد، متأسفانه از بی‌مسئولیتی

نسبت به بهداشت مردم ناشی میشود، فکرش را بکنید که تا چند سال قبل کلاً وجود ویروس ایدز در ایران را انکار میکردند و معتقد بودند که "امت اسلامی" در برابر ویروس مقاوم است. مسئله دیگر، طرح مسئله کاندوم خودبخود آگاهی دادن و صحبت از سکس را بمیان می کشد که به مذاق آقایون خوش نمی آید.

سؤال ۲۲- لطفاً در باره درمان انزال زودرس هرچه میدانید، چه دارویی و چه غیر دارویی توضیح دهید.

جواب: ما در چند شماره قبل در اینباره نوشته ایم. با اینهمه چون این سؤال احتیاج به یک جواب مفصل دارد، ما در حال آماده کردن مطلبی در این مورد برای شماره آینده هستیم. (امیدواریم که برسیم)

سؤال ۲۳- مدت هشت ماه است که با دختری نامزد کرده ام و سکس خوبی هم داریم اما مشکل من این است که بعد از سکس همیشه حالت تنفر از طرف مقابل به من دست می دهد. چرا؟ چکار کنم؟

جواب: سرد شدن بعد از نزدیکی در تعدادی از مردها (که تعدادشان کم نیست) وجود دارد و بعضی ها آن را جز حالات طبیعی میدانند، اما دلائل روانی زیادی میتواند داشته باشد. اگر این حالت در شما شدید است، باید با یک روانشناس تماس بگیرید.

سؤال ۲۴- آیا دخترها هم مثل پسرها خواب سکسی می بینند و در خواب ارگاسم میشوند؟

جواب: معمولاً خیر، چون دخترها مثل پسرها نیاز به دفع مایع منی جمع شده ندارند، چون مایعی با این ماهیت (آب منی) ندارند. اما در بعضی از دخترها که علاقه شدیدی به یک شخص دارند، ممکن است این حالت رخ دهد.

سؤال ۲۵- سونوگرافی که می‌گن چی هست؟ آیا همیشه با سونوگرافی فهمید که دختری باکره است یا نه؟

جواب: سونوگرافی نوعی تصویر برداری با کمک امواج مافوق صوت است. این امواج با گوش انسان شنیده نمی‌شوند. این دستگاه مانند دستگاه رادیوگرافی (عکس برداری با اشعه ایکس از مثلاً سینه، ناحیه شکم و...) میباشد اما چون اشعه ایکس ندارد، مشکل‌زا هم نمی‌باشد.

سؤال ۲۶- آیا استفاده از ۲ کاندوم روی هم، برای جلوگیری از ایدز بهتر است؟

جواب: استفاده از دو کاندوم مؤثر است اما لزومی ندارد. یک کاندوم هم کفایت میکند.

سؤال ۲۷- ما یک زوج جوان هستیم که چهار ماه پیش ازدواج کردیم و هیچکدام از ما دو نفر تجربه سکس قبل از ازدواج را نداریم. وقتی من پمپ می‌زنم حتی اگر ده ثانیه هم توقف کنم، اشتیاق زنم کم میشه و به هیچ وجه دیگه به ارگاسم نمی‌رسه. چکار کنیم؟

جواب: این مشکل به مرور زمان حل میشود و علت آن میتواند ناشی از بی تجربه بودن باشد. نگران نباشید. مطالعه شماره‌های مختلف سه کاف،

صحبت کردن با هم و مرادده بیشتر هنگام سکس هم یادتان نرود.
سؤال ۲۸- آیا تحریک غده پرستات (ج - اسپوت مردان) باعث سرطان نمی شود؟

جواب: تا کنون گزارشی از سرطان پرستات به خاطر این مسئله گزارش داده نشده است. اما چند سال قبل طی تحقیقی که چند پزشک آمریکایی بعمل آورده بودند، به این نتیجه رسیدند که مردان همجنسگرا که مفعول هستند، کمتر به سرطان مقعد دچار میشوند. صحت و سقم این تحقیق معلوم نیست.

سؤال ۲۹- مشکل من این است که کیرم خیلی کلفت است و هر کاندومی که می خرم، به اش نمی خوره. شما میگوید من چکار کنم. آخه یکبار میخواستم جلو دختره کاندوم بزنم که بخاطر کلفتی کیرم، نشد و آبروم جلو دختره رفت.

جواب: کاندومها سایزهای مختلفی دارند. شما میتوانید از نوع بزرگتر آن استفاده کنید. و یادتان نرود که حتی یک کاندوم معمولی هم خیلی کش می آید. بیشتر تو تنهایی تمرین کنید.

سؤال ۳۰- هر وقت جلق میزنم، بیضه هام درد میگیرن ولی فرداش خوب میشن. البته هرچه بیضه هام آزادتر باشن، درد هم بیشتره. دکتر هم گفته که من واریکسول ندارم.

جواب: این احتمالاً به خاطر این است که شما زیادتر از نیاز خود و بیشتر از توان بدنتان، استمنا میکنید. سعی کنید کمتر استمنا کنید چون اینکار

به بیضه‌ها فشار زیادی وارد میکند. (قبلاً گفته‌ایم که اصراف در هرکاری
میتواند مضر باشد)

سؤال ۳۱- آیا سکس با لباس کامل (بلوز و شلوار) با یک مرد لخت باعث
پاره شدن پرده بکارت میشود؟ استمنای با لباس چطوری؟

جواب: خیر، تا وقتی که آمیزش مهملی نداشته باشید، پرده بکارت پاره نمیشود.
سؤال ۳۲- چهار سال است که جلق می‌زنم و یکی دوسالی است که در قسمت
پائین کیرم غده کوچک چربی درست شده است. دلیل اینکار چیست و
چکار کنم؟

جواب: متأسفانه بدون معاینه نمی‌توان نظر داد، اما به احتمال قوی
هیچ ارتباطی با استمنای ندارد.

سؤال ۳۳- چگونه میتوان به قرصهای " روز بعد " دسترسی پیدا کرد؟ آیا حتماً
باید نسخه پزشک داشته باشیم؟ عوارض جانبی این قرصها چی هست؟

جواب: این دارو را میتوان بدون نسخه پزشک از داروخانه تهیه کرد.
این دارو همان داروی جلوگیری از بارداری است و دو نوع LD و HD میباشد.
لازم به ذکر است که قرص ال دی را باید ۴ عدد با هم و قرص اچ دی را
۲ عدد با هم میل کنید. یکی از عوارض شایع این دارو حالت تهوع شدید
میباشد که با تزریق عضلانی ویتامین B6 حل میشود.
ادعاهایی مبنی بر اینکه این داروها ممکن است عامل سرطان شوند
هم شنیده شده اما هیچ تحقیقات جدی این را نشان نداده است.

سؤال ۳۴- لطفاً درباره اسپریهای بی حس کننده، اسامی آنها و محل تهیه توضیح دهید.

جواب: اسامی آنها بسیار متفاوت است. شما میتوانید این داروها را از داروخانه (بدون نسخه) تهیه کنید. لازم به ذکر است که سکسولوگها استفاده از این داروها را تجویز نمی کنند و ممکن است بعنوان آخرین راه حل ارائه دهند، حداقل به این دلیل که ممکن است فرد استفاده کننده یا شریک جنسی اش نسبت به آنها حساسیت داشته باشند.

سؤال ۳۵- در قسمت بیضه چپم یک زائده‌هایی دارم مثل سیاهرگهای تو در تو که باعث شده بیضه سمت چپ در حالت معمولی پائینتر از بیضه سمت راستم قرار بگیرد. میخواستم بدانم که این چی هست و آیا در آینده مشکلی برایم ایجاد خواهد کرد؟ این مشکل از ۶-۷ سال پیش پیش آمده و این را هم بگویم که در سکس خیلی گرم هستم.

جواب: اینکه بیضه چپ پائین تر قرار دارد کاملاً طبیعی است چون بیضه چپ معمولاً پائین تر از بیضه راست است، به این دلیل که طول رگها و مجاری بیضه چپ بیشتر از بیضه راست است.

سؤال ۳۶- مردی هستم ۵۵ ساله . مدتی است که تمایل جنسی من زیاد شده بطوری که اگر نزدیکی نکنم، بیضه‌هایم بشدت درد میگیرند. لطفاً راهنمایی کنید.

جواب: آیا مدتی است سیگار را ترک کرده‌اید؟ شروع به ورزش کرده‌اید، نگرانی و ناراحتی‌های قبلی را پشت سر گذاشته‌اید؟ شریک جنسی مناسبتری انتخاب کرده‌اید؟ در رابطه خصوصی شما تحولات مثبتی پیش آمده؟ و..... همه اینها میتوانند دلیل ازدیاد میل جنسی شما باشد. میل جنسی شدید در مردان هم سن شما و حتی مسن‌تر به هیچوجه غیر عادی نیست. اینکه حس شما مدتی است زیاد شده، به این دلیل است که غدد جنسی شما فعالیت خود را بیشتر کرده‌اند و به احتمال قوی شما قلب سالمی باید داشته باشید. علت درد گرفتن بیضه‌ها میتواند ناشی از این باشد که احتیاج به خالی کردن محتوای اسپرم خود دارند، یعنی فعالیت جنسی بیشتری از شما می‌طلبند.

سؤال ۳۷- مدتی پیش یکی دوبار تریاک کشیدم و بمدت ۱۶-۱۲ ساعت شاشبند شدم. آیا من به بیماری خاصی مبتلا هستم؟

جواب: شما سن خود را قید نکرده‌اید. اگر شما دارای سن بالای پنجاه باشید، احتمال وجود تورم پروستات میباشد. یادتان باشد که استفاده از تریاک بجز در موارد استفاده پزشکی، میتواند همچون سیگار مضر باشد از جمله نیروی جنسی شما را کم میکند و بخصوص در سن بالا مشکل شق شدن آلت تناسلی را باعث میشود.